

به قلم خراسانی‌ها

بازخوانی صفحه‌ای از قدیمی‌ترین کتاب داروشناسی زبان فارسی

**هیچ خبری اندر بال و گردن نیست**

**حسن احمدی‌فرد** «الابنیه عن حقایق الادویه»، قدیمی‌ترین کتاب فارسی در زمینه داروشناسی و یکی از کهن‌ترین آثار نثر فارسی است؛ نوشته ابومنصور موفق هروی؛ داروشناس خراسانی دربار سامانی. کتاب، در نیمه نخست قرن پنجم نوشته شده و تنها دو نسخه از آن موجود است؛ یکی از این دو نسخه، نسخه کتابخانه ملی اتریش، که تاریخ کتابت هم دارد و در سال ۴۴۷ قمری (یعنی کمتر از ۴۰سال پس از مرگ فردوسی) کتابت شده و قدیمی‌ترین نسخه خطی تاریخ‌دار زبان فارسی هم هست، به خط اسدی نوسی، شاعر و لغت‌شناس مشهوری است که از او کتاب گران‌سنگ «لغت فرس» یا همان «فرهنگ اسدی» هم به‌جا مانده.

دیگر نسخه کتاب الابنیه در قرن ششم نسخه‌نویسی شده و در کتابخانه ملی مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود.

کتاب الابنیه عن حقایق الادویه، عمدتاً درباره خواص داروها و بد و خوب آن‌هاست؛ داروهایی که عمدتاً پایه گیاهی دارند. علاوه بر این در این کتاب، درباره سود و زیان خوراکی‌ها هم بحث شده؛ از جمله درباره گوشت پرنده‌ها. بخشی از این بحث را، همراه توضیحات داخل پرانتزش، اینجا می‌نویسم. این نکته را هم ذکر کنم که در آن روز و روزگار، شکار پرنده‌ها کم و بیش رایج بوده و آسیب‌چندانی به همراه نداشته، اما در روزگار ما، زیست‌بوم‌ها شکننده‌تر از این حرف‌ها هستند.

امیدوارم خواندن این متن شیرینِ کهنِ خراسانی، به مختصر

زحمتش بریزد.

اما گوشت بَط (مرغابی) و سیقا (سیکا/ گونه‌ای مرغابی یا اردک) گرم و نرم است، و غذایی که از ایشان خیزد بد است و

فضول (بخش‌های به‌درندخور) اندر ایشان بیش است؛ زود اندر تب افکند، و گوشت مُخلف (جوجه‌ای که تازه بر درآورده) وی

بهتر از آن خرد و بزرگش.

و اما گوشت جباری (هویره/ پرنده درشت صحراهای خراسان) که جَرز خوانندش، گرم است و رطوبت بسیار دارد، و هر چه خُرد و مخلف بود از او، بهتر که مسمن (پرورده شده/ چاق).

و اما گوشت قنْبرَه (چکاوک/ جَل) غذایی محمود (پسندیده) دارد، و قولنج را سود کند، چون سپیدبا(آش) و آبگوشت سفید/

آش گوشت و ماست) کندد به زیت (روغن زیتون) و شبت

(شوید) و دارصینی (دارچین).

و گوشت خَرُوس کهن چون به سپیدبا کندد، به زیت و نخود و بسبایج (گونه‌ای سبزی/ نوعی سرخس) درشت کوفته، قولنج را منفعت عظیم دهد.

و گوشت فاخته (قمری/ موسی کوتقی) و وَرشان (کفتر چاهی) غذایی بد دهد و سودا انگیزد.

و گوشت کلنگ (کلنگ‌قطار/ درنا) سخت است و عَسر (چغر

و بد بدن) و دیرگوار، و همچنین گوشت طَواُس

و این چنین گوشت را دو سه روز باید هِشْتَن و بیابوختن و سنگی گران از پای اوی اندر بستن، تا گوشت وی سست شود. و هر چه گوشت وی سخت بُود، چنین باید کرد از مرغ و

چهارپای، تا آن سختی اوی، سست شود.

و اما اندام‌های مرغ (انواع پرنده‌ها) زودگوارتر و کم‌غذاتر، بال است، و بَتر (بدتر) بالی از بال‌های مرغان، آن مسمن باشد از خردگان، و همچنان گردن، و آن را که سال بسیار بود، هیچ خبری اندر بال و گردن ایشان نیست؛ که سخت دیر بگوار

(قابل هضم) شود.

اما قوانص (جمع قانصه به معنی سنگدان) همه غلیظ است، و دیر گوار و سخت، ولیکن چون بگوار شده بُود، غذا بسیار دهد، و از پس اوی، آن (یعنی سنگدان) کَرک (کَرک/ بلدرچین) مسمن ….

## خبر

## «پایتخت» در انتظار سوژه‌ای برای تسکین حال مردم



سیروس مقدم، کارگردان باسابقه تلویزیون که نامش بیش از هر چیز با سریال پرمخاطب «پایتخت» گره خورده، در گفت‌وگویی تازه گفت: «پایتخت» متعلق به مردم است و بازگشت آن، بیش از هر چیز، به پیدا شدن یک سوژه مناسب بستگی دارد.

او درباره احتمال ساخت فصل جدید «پایتخت» یاد آور شد: این سریال خاطره و نوستالژی بزرگی برای مردم ساخته و طبیعی است که هم مخاطبان و هم مدیران تلویزیون به دنبال ادامه آن باشند. اما واقعیت این است که ساخت فصل تازه فقط زمانی ممکن می‌شود که به داستانی برسیم که حال‌وهوای روحی جامعه را در نظر بگیرد و بتواند لبخند و آرامش را به مخاطب برگرداند.

مقدم با اشاره به شرایط اجتماعی سال‌های اخیر افزود: مردم پس از روزهای پرتنش، نیاز دارند اثری ببینند که علاوه بر سرگرمی، آرامش‌بخش باشد. «پایتخت» این ظرفیت را دارد، اما همه چیز به انتخاب سوژه و آمادگی گروه تولید بستگی دارد. اگر به قصه‌ای برسیم که بتواند با زندگی امروز مردم همذات‌پنداری ایجاد کند، حتماً آن را عملیاتی می‌کنیم. او در پایان گفت: تلویزیون زمانی می‌تواند موفق باشد که به جای تمرکز بر گروه‌های محدود، به جذب حداکثری مخاطب و ارتباط واقعی با مردم فکر کند. ادامه چنین مسیری، رسانه ملی را پویا و اثرگذار نگه خواهد داشت.

# فرهنگ و هنر

**گفت‌وگو با کارگردان و تهیه‌کننده سریال «مادران» که جمعه‌ها میزبان نگاه مخاطبان شبکه یک سیماست**

# روایت زنانی که جنگ را مردانه زندگی کردند



**نیایش احمدی** سریال «مادران» که هر جمعه روی آنتن شبکه یک سیما می‌رود را می‌توان یکی از متفاوت‌ترین آثار سال‌های اخیر در حوزه روایت خانواده‌های شهدا دانست؛ مجموعه‌ای به کارگردانی مسعود دهنوی و تهیه‌کنندگی حسین رستم‌پور که به‌جای تمرکز مستقیم روی قهرمانان جنگ، به سراغ مادرانی رفته که سال‌ها با رنج، فقدان و خاطره زندگی کرده‌اند. این مجموعه با تکیه بر قصه‌های واقعی و نگاهی واقع‌گرایانه تلاش می‌کند تصویری انسانی و ملموس از مادران شهدا ارائه دهد؛ زنانی از اقوام، فرهنگ‌ها و جغرافیاهای مختلف ایران که هر کدام روایت و جهان خاص خود را دارند.

در این میان، حضور رؤیا افشار در نقش‌های مختلف «مادران» یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این مجموعه است؛ بازیگری که این روزها با ایفای نقش مادران شهدا، بار دیگر به دغدغه‌های قدیمی و شخصی نزدیک شده است. افشار در گفت‌وگویی درباره تجربه حضور در این سریال عنوان کرده بود که این نقش‌ها برای او صرفاً یک بازی نیست و هر بار با مواجهه با مادران شهدا، احساس می‌کند بابخشی از حافظه زنده این سرزمین روبه‌رو شده است. وقتی در خیابان از کنار زنانی هم‌سن‌وسال خود عبور می‌کند که سال‌ها داغ فرزند و سختی‌های جنگ را تحمل کرده‌اند، با خود فکر می‌کند شاید هرگز نتواند مانند آن‌ها این میزان از رنج و ایستادگی را تاب بیاورد. هنوز هم آثار و آسیب‌های آن دوران در زندگی این مادران دیده می‌شود و نسل او همچنان با خاطرات جنگ هشت‌ساله زندگی می‌کند و گاهی احساس می‌کند مادران شهدا در حال فراموش شدن هستند و جامعه آن‌طور که باید به آن‌ها توجه نمی‌کند. این بازیگر پیشکسوت با اشاره به مسئولیت اجتماعی هنرمندان عنوان کرده بود هنرمندان می‌توانند درباره این مسائل سخن بگویند و نگذارند چنین تجربه‌هایی از حافظه جمعی جامعه حذف شود.

«مادران» که از دل دغدغه‌های شخصی سازندگانش شکل گرفته، علاوه بر روایت زندگی این زنان، به نقش مادر در شکل‌گیری شخصیت شهدا نیز می‌پردازد. استفاده از لوکیشن‌های واقعی، تنوع اقلیمی و گویشی و فضای نزدیک به مستند موجب شده این مجموعه حال و هوایی باورپذیر و متفاوت پیدا کند.

مسعود دهنوی و حسین رستم‌پور، کارگردان و تهیه‌کننده این سریال در گفت‌وگو با خبرنگار ما از روند شکل‌گیری ایده

### قفسه باز

اولیه سریال، چالش‌های تولید در شهرهای مختلف، انتخاب روایت‌ها و نگاهشان به جایگاه مادران شهدا در جامعه سخن گفته‌اند؛ گفت‌وگویی که فراتر از یک روایت پشت صحنه، به دغدغه‌های فرهنگی و اجتماعی سازندگان این مجموعه می‌رسد.

### قصه‌هایی واقعی از دل جنگ تحمیلی

مسعود دهنوی درباره ابعاد مستندگونه و حفظ ساختار داستانی بودن سریال «مادران» می‌گوید: تجربه مستندسازی من در کارگردانی این سریال تأثیر بسیار

زیادی داشت؛ چراکه تمام تلاش این بود فضای رئال در اثر جریان داشته باشد و در عین حفظ فضای نمایشی، باورپذیری آن نیز حفظ شود. تلاش کردیم از لوکیشن‌های واقعی، اقلیم‌های واقعی و پلان‌هایی استفاده کنیم که در فضای مستند بیشتر دیده می‌شوند. تلاشی برای کم‌رنگ کردن مرز میان مستند و داستانی نداشتیم، زیرا با یک اثر نمایشی و داستانی مواجه هستیم، اما معتقدم هر چقدر بعد واقع‌گرایی و واقعیت‌ناپذیری اثر بیشتر و باورپذیری آن بالاتر باشد، آن اثر موفق‌تر خواهد بود. حتی برخی از شخصیت‌ها، گریم و لباس‌ها نیز بر اساس نمونه‌های واقعی انتخاب شده‌اند.

دهنوی درباره بداهه‌پردازی بازیگران در این مجموعه اظهار می‌کند: به واسطه تجربه مستندسازی، بداهه‌پردازی در این اثر بسیار وجود داشت، اما این بداهه‌ها کاملاً کنترل شده بودند؛ به‌گونه‌ای که به فیلم‌نامه و فضای کلی کار آسیبی وارد نشود. بازیگران اجازه بداهه‌پردازی نداشتند و همین مسئله نیز به یکی از نقاط قوت کار تبدیل شد.

کارگردان سریال «مادران» درباره تعداد قسمت‌های این مجموعه نیز عنوان می‌کند: قطعاً هر چقدر تعداد قسمت‌ها بیشتر باشد، همذات‌پنداری مخاطب و ارتباط او با اثر بیشتر خواهد شد، اما به اعتقاد من همین هشت قسمت نیز می‌تواند تأثیر خود را بر مخاطب بگذارد. ساختار کوتاه سریال بی‌تأثیر نبوده، اما ما از ابتدا این فرم را انتخاب کرده بودیم و قصه‌ها نیز روی همین بستر شکل گرفتند، بنابراین این محدودیت تأثیری بر روند کاری ما نداشت.

دهنوی با اشاره به تأثیرگذاری این آثار بر مخاطبان خاطر‌نشان می‌کند: به دلیل ارتباطی که عموم مردم، به‌ویژه مخاطبان

«واگن آخر»؛ روایت زندگی دو برادر شهید از دل مسجدی در شیراز

## شهدا را دست‌نیافتنی روایت نکردم

نویسنده «واگن آخر» با اشاره به رویکرد خود در شخصیت‌پردازی تصریح می‌کند: من سعی کردم شهدا را دست‌نیافتنی نشان ندهم. برخی ویژگی‌های اخلاقی و حتی بخشی از جنبه‌های خاکستری شخصیت آن‌ها را هم در روایت آوردم. نگاه این نبوده که این افراد از ابتدا هیچ خط و نقضی نداشتند یا به‌صورت فرشته‌گونه به دنیا آمده‌واز دنیا رفتند. سعی کردم سیر تکامل شخصیت یک انسان را نشان بدهم که برای رسیدن به تعالی ممکن است دچار برخی عیب‌ها و ایرادها باشد اما به‌تدریج آن‌ها را اصلاح می‌کند و به جایگاهی می‌رسد که باید برسد.

او ادامه می‌دهد: با توجه به فضایی که از نوجوانان می‌شناسم، آن‌ها تمایل زیادی به‌رمان و داستان‌های تخیلی دارند. حتی ممکن است گاهی به‌سراغ کتاب‌هایی بروند که مناسب نباشد، اما در عین حال عاشق فراز و فرود، هیجان و تعلیق در داستان هستند. سعی من بر این بوده که حتی اگر نیاز باشد با استفاده از تخیل بتوانم تعلیق و کشمکش داستانی ایجاد کنم تا نوجوان را همراه کنم و او را به سمت شناخت شهدا و سبک زندگی آن‌ها در دل روایت بکشانم. گاهی برخی نوجوانان به کتاب‌ها علاقه نشان نمی‌دهند، اما فضای رسانه‌ای و شبکه‌های اجتماعی هم در این موضوع اثر دارد. با این حال گاهی همان رمان و همان قالبی که آن‌ها دوست دارند می‌تواند ما را در جذب آن‌ها به کتاب کمک کند.

### «واگن آخر»؛ روایت یک انتخاب

این نویسنده درباره انتخاب عنوان کتاب می‌گوید: زمانی که سیدعبدالرضا شهید می‌شود، سیدعبدالرسول جانشین اومی‌شود و جای پای برادر بزرگترش می‌گذارم. با محدودیت‌هایی که وجود داشت و همچنین مخالفت خانواده، تصمیم می‌گیرم به‌جبهه بروم و به یکی از آشنایان می‌گویم من بروم و وقتی به او گفته می‌شود جنگ در حال تمام شدن است، پاسخ می‌دهم من دارم می‌روم و اگر قطار در حال حرکت است، واگن آخر را می‌گیرم؛ یا می‌رسم یا جا می‌مانم. در نهایت هم او را می‌شود و به شهادت می‌رسد.

برای این مجموعه انتخاب شد. اغلب آثاری که تاکنون در تلویزیون ساخته شده‌اند، بیشتر درباره شهدای شناخته شده و فرماندهان بوده، اما در این مجموعه تمرکز اصلی ما روی مادران شهداست. وی ادامه می‌دهد: این پروژه هم‌بر پایه تحقیق شکل گرفته، هم بر اساس نگارش و هم با استفاده از همان کتاب‌ها و روایت‌های واقعی.

او درباره انتخاب عنوان «مادران» نیز توضیح می‌دهد: شاید در آینده مجموعه‌ای با عنوان «پدران» نیز ساخته شود، اما دلیل انتخاب «مادران» این بود که معتقدیم شاکله شخصیتی فرزند، به‌ویژه پسران، تا حد زیادی تحت تأثیر شخصیت مادر شکل می‌گیرد. وی می‌افزاید: واقعاً هم در زندگی شهدا این موضوع را مشاهده کردیم که نقش مادر در خانواده و در تربیت فرزند بسیار پررنگ بوده است.

### چالش‌های تنوع اقلیم و لوکیشن

وی درباره چالش‌های تولید این مجموعه اظهار می‌کند: یکی از مهم‌ترین چالش‌های ما، فیلم‌برداری در چهار استان و هفت شهر مختلف بود. برای هر قسمت، یک گروه حدود ۵۰ نفره جابه‌جا می‌شدند؛ از اردبیل و شهرستان‌های مشگین‌شهر و نمین گرفته تا سد لفور، ساری، فیروزکوه و دیگر مناطق. او می‌افزاید: در برخی روزها ساعت ۵صبح سوار قطار می‌شدیم، به ساری می‌رفتیم و دوباره با قطار به فیروزکوه بازمی‌گشتیم.

تهیه‌کننده مادران با اشاره به تنوع اقلیم و لوکیشن‌های سریال بیان می‌کند: به نظر من یکی از جذابیت‌های اصلی مجموعه، همین تنوع لوکیشن، اقلیم، لهجه و گویش‌هاست، اما در عین حال سخت‌ترین بخش کار نیز همین مسئله بود؛ چراکه برخلاف پروژه‌هایی که در تهران تولید می‌شوند و امکان ضبط هم‌زمان در یک لوکیشن ثابت را دارند، ما مجبور بودیم هر شهر را به‌طور کامل به پایاان برسانیم و سپس به شهر بعدی برویم.

رستم‌پور درباره انتخاب رؤیا افشار برای ایفای نقش‌های مختلف «مادر» در این مجموعه عنوان می‌کند: در روند نگارش فیلم‌نامه، با پیشهاد آقای مقدم دوست و آقای دهنوی به این نتیجه رسیدیم که با وجود تفاوت‌های ظاهری، لهجه، پوشش و موقعیت اجتماعی مادران در داستان‌ها، همه آن‌ها در حقیقت یک مفهوم واحد از «مادر» را نمایندگی می‌کنند. به همین دلیل تصمیم گرفتیم در تمام قسمت‌ها یک بازیگر حضور داشته باشد.

### یک‌مادر در هشت نقش متفاوت

او درباره انتخاب این بازیگر می‌گوید: رسیدن به خانم افشار برای این نقش‌ها لطف خدا بود. این روند حدود سه‌ماه طول کشید و تقریباً یک‌ماه مانده به آغاز تولید، قرارداد با ایشان بسته شد. مهم‌ترین دغدغه ما این بود آیا بازیگری وجود دارد که بتواند هشت نقش کاملاً متفاوت را ایفا کند؛ از یک زن روستایی گرفته تا یک خان‌زاده یا یک مادر ارمنی. تعداد بازیگرانی با چنین توانایی در ایران زیاد نیست. هدف ما این بود که نشان دهیم در ایرانی با این گستردگی اقلیمی، مادر بودن مرز ندارد؛ فرقی نمی‌کند اهل تسنن باشند، شیعه باشند یا ارمنی، فرهنگ مادری در سراسر ایران جاری است. داستان‌ها نیز اقتضا می‌کردند افشار و مذاهب مختلف در روایت حضور داشته باشند و ما نیز تلاش کردیم به واقعیت قصه‌ها وفادار بمانیم. احساس می‌کنیم در حق مادران شهدا کم‌کاری شده و هنوز آثار بسیاری درباره آن‌ها ساخته نشده است.

او در پایان درباره نگاه محوری این مجموعه نسبت به مادران شهدا خاطر‌نشان می‌کند: در بسیاری از آثار مرتبط با شهدا، معمولاً زندگی شهید روایت شده و در کنار آن به مادر نیز پرداخته می‌شود، اما ما در این مجموعه می‌خواستیم بگوییم خود‌مادر نقش اصلی را در شکل‌گیری شخصیت آن شهید داشته است. این مادر بوده که آن تربیت و فرهنگ را ایجاد کرده و فرزند از دامان او به آن جایگاه رسیده است. ما نقطه عطف این مسیرا مادر می‌دانیم و همچنان معتقدیم هر انسانی که در زندگی‌اش موفق شده، دعای مادر پشت‌سر او بوده است.

